



Urban Security Architecture and Human Rights: A Dignity-Oriented Approach to Crime Prevention

Ali Faramarzi Babadi¹, Mohammad Reza Rahmat^{2*}

1. Department of law, Meybod branch, Islamic Azad University, Meybod, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Theology, University of Meybod, Meybod, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 30-46

Article history:

Received: 1 Feb 2026

Edition: 18 Feb 2026

Accepted: 8 Apr 2026

Published online: 22 Jun 2026

Keywords:

Security-oriented legal system, Dignity, Crime prevention, Environmental design, Human rights.

Corresponding Author:

Mohammad Reza Rahmat

Address:

Iran, Meybod, Islamic Azad University, Meybod Branch, Department of Law.

Orchid Code:

0000-0003-4434-6954

Email:

rahmat@meybod.ac.ir

ABSTRACT

Background and Aim: This study aims to compare two legal paradigms—security-oriented and dignity-oriented systems—in the field of urban security architecture and crime prevention, with a particular focus on the application of human rights doctrines and the principles of Crime Prevention Through Environmental Design (CPTED). The primary objective is to analyze the consequences of implementing these principles within Iran’s security-oriented legal framework and to propose a moderating model grounded in human dignity.

Materials and Methods: This research adopts a descriptive–analytical methodology. Data were collected through library-based research on legal documents and statutes, as well as through content analysis of field findings from eighteen metropolitan cities in Iran.

Ethical Considerations: Ethical principles governing library-based research were observed, including accurate citation of sources, respect for textual originality, and avoidance of any non-scientific or biased orientations.

Findings: The findings indicate that the security-oriented legal system, characterized by five core components—absolute prioritization of security, extensive executive powers without judicial oversight, data confidentiality, distributive inequality, and the absence of impact assessment—has directed the implementation of CPTED principles toward pervasive social control, spatial discrimination, and the “fortification” of urban spaces.

Conclusion: Sustainable and equitable urban security requires a transition from a purely security-oriented approach toward a dignity-oriented legal system. The design and implementation of an “indigenous moderating model” that integrates physical, social, and legal dimensions—through citizen participation and adherence to the principles of transparency, proportionality, and justice—can simultaneously advance crime prevention objectives while safeguarding human dignity and fundamental rights.

Cite this article as:

Faramarzi Babadi A; Rahmat MR. "Urban Security Architecture and Human Rights: A Dignity-Oriented Approach to Crime Prevention." 2026.



دوره سوم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۵

معماری امنیت شهری و حقوق بشر: رویکردی کرامت‌مدار به پیشگیری از جرم

علی فرامرزی بآبادی^۱، محمدرضا رحمت^{۲*}

۱. گروه حقوق، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، میبد، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، دانشکده الهیات، دانشگاه میبد، میبد، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: این پژوهش با هدف مقایسه دو نظام حقوقی امنیت‌مدار و کرامت‌مدار در حوزه معماری امنیت شهری و پیشگیری از جرم انجام شد، با تمرکز ویژه بر کاربست آموزه‌های حقوق بشری و اصول «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی». هدف اصلی، تحلیل پیامدهای اجرای این اصول در چارچوب نظام حقوقی امنیت‌مدار ایران و ارائه الگوی تعدیلی مبتنی بر کرامت انسانی است.

مواد و روش‌ها: این مطالعه از نوع توصیفی-تحلیلی است. داده‌ها از طریق بررسی کتابخانه‌ای اسناد و قوانین و تحلیل محتوای یافته‌های میدانی در هیجده کلان‌شهر ایران گردآوری شد.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش اصول اخلاقی پژوهش‌های کتابخانه‌ای رعایت گردید؛ شامل استناد دقیق به منابع، حفظ اصالت متون و پرهیز از هرگونه جهت‌گیری جانبدارانه غیرعلمی.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که نظام امنیت‌مدار با پنج مؤلفه اصلی-تقدم مطلق امنیت، اختیارات اجرایی گسترده بدون نظارت قضایی، محرمانگی داده‌ها، نابرابری توزیعی و فقدان ارزیابی آثار- اجرای اصول پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی را به سوی کنترل اجتماعی فراگیر، تبعیض فضایی و «قلعه‌ای شدن شهر» هدایت کرده است. این رویکرد پیامدهایی چون جابه‌جایی جرم، کاهش سرمایه اجتماعی و مشروعیت‌زدایی نهادها را به همراه داشته است.

نتیجه: دستیابی به امنیت شهری پایدار و عادلانه مستلزم گذار از رویکرد صرفاً امنیت‌مدار به نظام حقوقی کرامت‌مدار است. طراحی و اجرای یک «الگوی بومی تعدیلی» که ساحت‌های کالبدی، اجتماعی و حقوقی را با مشارکت شهروندان و رعایت اصول شفافیت، تناسب و عدالت تلفیق کند، می‌تواند به‌طور هم‌زمان اهداف پیشگیری از جرم و صیانت از کرامت و حقوق بنیادین انسانی را تحقق بخشد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۳۰-۴۶

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۱۲

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۱۱/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۱/۱۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۴/۰۱

واژگان کلیدی:

نظام حقوقی امنیت‌مدار، کرامت، پیشگیری از جرم، طراحی محیطی، حقوق بشر.

نویسنده مسئول:

محمدرضا رحمت

آدرس پستی:

ایران، میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد میبد، گروه حقوق.

کد ارکید:

۰۰۰۰-۰۰۰۳-۴۴۳۴-۶۹۵۴

پست الکترونیک:

rahmat@meybod.ac.ir

۱. مقدمه

امنیت»، «اختیارات اجرایی گسترده فاقد نظارت قضایی»، «محرمانگی داده‌ها»، «نابرابری توزیعی» و «فقدان ارزیابی اثرات»، به تقویت کنترل اجتماعی یکسویه، دامن زدن به نابرابری و تضعیف مشروعیت نهادی انجامیده است. بنابراین، مسئله اصلی، تضاد آشکار بین کاربست ابزارهای کارآمد پیشگیری وضعی و حفظ کرامت انسانی و حقوق شهروندی در فضای شهری است.

ضرورت بحث حاضر حاضر، با توجه به این خلأ نظری و عملی مضاعف می‌شود. اولاً، در ادبیات جرم‌شناسی داخلی، مقایسه نظام‌مند دو پارادایم امنیت‌مدار و کرامت‌مدار در عرصه امنیت شهری و به ویژه در ارتباط با طراحی محیطی، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. ثانیاً، اغلب مطالعات موجود، یا صرفاً به تبیین فواید فنی پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی می‌پردازند یا بدون ارائه الگوی عملیاتی جایگزین، به نقد رویکردهای امنیتی موجود بسنده می‌کنند. این پژوهش با عبور از این شکاف، درصدد است تا با تحلیل پیامدهای عینی اجرای پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی، نشان دهد که چگونه چارچوب حقوقی حاکم، جهت‌گیری و نتایج طرح‌های کالبدی را تعیین می‌کند. این تحلیل، نه تنها برای تصحیح مسیر فعلی مدیریت امنیت شهری در ایران ضروری است، بلکه می‌تواند برای سایر جوامعی که با معضل تعادل‌بخشی بین امنیت و آزادی دست به گریبانند، حاوی آموزه‌های ارزشمندی باشد.

در راستای تبیین مسئله و ضرورت فوق، «سوال اصلی تحقیق» اینگونه طرح می‌شود: «الگوی بومی

رشد شتابان شهرنشینی و پیچیدگی‌های حیات اجتماعی در عصر حاضر، چالش‌های امنیتی نوظهور و چندبعدی را به همراه آورده است. در این میان، «امنیت شهری» به عنوان یکی از ارکان اصلی کیفیت زندگی و توسعه پایدار، همواره در کانون توجه سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و حقوقدانان قرار داشته است. رویکردهای متعارف در تأمین این امنیت، عمدتاً بر ابزارهای سخت‌افزاری، کنترل‌های فیزیکی و گسترش اختیارات نهادهای امنیتی متمرکز بوده‌اند؛ رویکردی که می‌توان آن را ذیل «نظام حقوقی امنیت‌مدار» طبقه‌بندی کرد. هرچند این نظام در کوتاه‌مدت ممکن است به کاهش آمار جرایم بینجامد، اما یافته‌های پژوهشی حاکی از پیامدهای ناخواسته و عمیقاً آسیب‌زای آن است؛ یعنی تبدیل فضای شهری به «قلعه‌هایی مجزا»، ایجاد تبعیض فضایی، فرسایش سرمایه اجتماعی، کاهش اعتماد عمومی به نهادها و مهم‌تر از همه، نادیده گرفتن کرامت و حقوق بنیادین شهروندان، از جمله این پیامدهاست.

بی‌تردید، مسئله و چالش این نوشتار در همین نقطه تلاقی دو گفتمان «امنیت» و «کرامت» شکل می‌گیرد. از یک سو، ضرورت مقابله با بزهکاری و احساس ناامنی شهروندان، توسل به اقدامات پیشگیرانه قوی مانند «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی» را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. از سوی دیگر، شواهد تجربی در کلان‌شهرهای ایران نشان می‌دهد که اجرای این اصول در چارچوب یک نظام حقوقی امنیت‌مدار صرف، نه تنها به امنیت عادلانه و فراگیر منجر نشده، بلکه با پنج مؤلفه «تقدم مطلق

حوزه امنیت شهری و پیشگیری از جرم انجام شده است. داده‌های مورد نیاز از طریق دو روش اصلی گردآوری شده‌اند: نخست، مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی: بررسی قوانین، مقررات و ادبیات پژوهشی مرتبط با امنیت شهری، پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی و نظام‌های حقوقی امنیت‌مدار و کرامت‌مدار. دوم، تحلیل محتوای یافته‌ها: که در این راستا داده‌های میدانی از ۱۸ کلان‌شهر ایران جمع‌آوری و با روش تحلیل محتوا مورد بررسی قرار گرفت.

۳. ملاحظات اخلاقی

در مراحل مختلف این مقاله ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نظام حقوقی امنیت‌مدار در ایران با پنج مؤلفه کلیدی، اجرای اصول «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی» را به سمت کنترل اجتماعی فراگیر و ناعادلانه سوق داده است: نخست، تقدم مطلق امنیت بر سایر حقوق. دوم، اختیارات اجرایی گسترده بدون نظارت قضایی. سوم، محرمانگی داده‌های نظارتی. چهارم، نابرابری توزیعی در تخصیص منابع. پنجم، فقدان ارزیابی اثرات حقوقی و اجتماعی؛ یعنی عدم ارزیابی دقیق پیامدهای مداخلات امنیتی پیش و پس از اجرا، منجر به جابه‌جایی جرم، کاهش سرمایه اجتماعی و تضعیف مشروعیت نهادهای مسئول شده است.

تعدیلی برای تلفیق اصول پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی با مبانی کرامت‌مدار نظام حقوقی، به منظور تحقق امنیت شهری پایدار و عادلانه در ایران، باید واجد چه سطوحی (کالبدی، اجتماعی، حقوقی) باشد؟» این پرسش، محقق را به واکاوی نقاط قوت و ضعف هر دو نظام کرامت‌محور و امنیت‌محور، ظرفیت‌های اصول پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی نسل دوم و الزامات قانون اساسی ایران رهنمون می‌سازد.

در نهایت، «نوآوری تحقیق» حاضر را می‌توان در چند محور خلاصه کرد: اول، ارائه تحلیلی تطبیقی و ساختاریافته از مؤلفه‌های نظام امنیت‌مدار ایران و آثار آن بر تبدیل اصول پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی به ابزار کنترل. دوم، عبور از طرح مسئله صرف و پیشنهاد یک «الگوی سه‌سطحی (کالبدی-اجتماعی-حقوقی) بومی تعدیلی» که به طور همزمان پاسخگوی نیازهای پیشگیری از جرم و صیانت از کرامت انسانی است. سوم، تلفیق هوشمندانه مبانی نظری کرامت‌مدار با اصول عملیاتی پیشگیری وضعی و خوانش‌های حقوق اساسی ایران (اصول ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۴، ۲۵ و ...). چهارم، اتکای تحلیلی به داده‌های میدانی از ۱۸ کلان‌شهر ایران که به غنای عینی و کاربردی یافته‌ها می‌افزاید. این پژوهش امیدوار است با پر کردن شکاف میان نظریه و عمل، گامی در جهت گذار از «شهر قلعه‌ای» ناامن و ناعادلانه، به سوی «شهر کرامت‌مدار» امن و مشارکتی بردارد.

۲. مواد و روش‌ها

این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است و با هدف مقایسه دو نظام حقوقی امنیت‌مدار و کرامت‌مدار در

۵. بحث

واکنشی پسینی به جرم، بلکه ابزاری پیشگیرانه هم تلقی می‌شود.

در این چارچوب، حقوق کیفری نقش محوری در بازگرداندن امنیت ایفا می‌کند و امنیت به‌عنوان زیربنای زندگی اجتماعی و شرط بنیادین تحقق آزادی شناخته می‌شود. (عالی‌پور، ۱۳۸۷، ۶۹) برخلاف نظام کرامت‌مدار که بر حقوق و آزادی‌های فردی تمرکز دارد، نظام امنیت‌مدار در مواردی محدودسازی آزادی‌ها را برای تضمین امنیت جمعی موجه می‌داند.

ویژگی مهم این نظام، پویایی و انعطاف‌پذیری در مواجهه با تهدیدات نوین از جمله جرایم سازمان‌یافته، تروریسم و جرایم سایبری است. همچنین تأکید بر پیشگیری وضعی و کنترل محیطی، نشان‌دهنده نگاه جامع این رویکرد به امنیت اجتماعی است.

در مجموع، تحلیل نظام حقوقی امنیت‌مدار نشان می‌دهد که این رویکرد با محوریت تأمین امنیت عمومی، نقش فعالی برای حقوق کیفری و سیاست‌های پیشگیرانه قائل است و امنیت را به‌مثابه پیش‌شرط تحقق نظم اجتماعی و بهره‌مندی از آزادی‌ها تلقی می‌کند. با این حال، اتکای آن بر محدودسازی برخی آزادی‌های فردی، ضرورت توازن‌سازی دقیق میان الزامات امنیتی و ملاحظات حقوق بشری را برجسته می‌سازد؛ به‌گونه‌ای که کارآمدی این نظام در مواجهه با تهدیدات نوین، تنها زمانی مشروع و پایدار خواهد بود که در چارچوب اصول قانون‌مندی، تناسب و احترام به کرامت انسانی اعمال شود.

یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که طراحی محیط شهری به‌تنهایی نمی‌تواند تضمین‌کننده امنیت پایدار و عادلانه باشد، بلکه چارچوب حقوقی حاکم بر آن است که جهت‌گیری و نتایج نهایی را تعیین می‌کند. نظام امنیت‌مدار با تأکید یک‌سویه بر کنترل و نظارت حداکثری، اگرچه ممکن است در کوتاه‌مدت آمار جرایم را کاهش دهد، اما پیامدهای ناخواسته‌ای چون «قلعه‌ای شدن شهر»، تبعیض فضایی، فرسایش سرمایه اجتماعی و مشروعیت‌زدایی از نهادها را در پی دارد. در مقابل، نظام کرامت‌مدار با محوریت کرامت انسانی، شفافیت، مشارکت شهروندی و توازن بین امنیت و آزادی‌های فردی، می‌تواند زمینه‌ساز امنیتی پایدار و عادلانه شود.

۵-۱. شاخص‌ها و ویژگی‌های نظام امنیت‌مدار

مفاهیم مرتبط با نظام‌های حقوقی، به‌ویژه نظام‌های امنیت‌مدار و کرامت‌مدار، از بنیادی‌ترین عناصر پژوهش‌های حقوقی به شمار می‌روند و به دلیل احتمال سوءتفسیر، نیازمند تبیین دقیق و روش‌مند هستند. فهم صحیح این مفاهیم پیش‌شرط ورود به مباحث تخصصی و ارائه تحلیل‌های معتبر حقوقی و امنیتی است.

نظام حقوقی امنیت‌مدار به مجموعه‌ای از قواعد و سیاست‌ها اطلاق می‌شود که هدف اصلی آن تأمین امنیت عمومی و فردی است که گاه به محدودسازی برخی از آزادی‌های فردی می‌انجامد. (غلامی، ۱۳۹۷، ۷۱) در این رویکرد، حفظ نظم عمومی و پیشگیری از تهدیدات بالقوه در اولویت قرار دارد و قانون نه‌تنها

۵-۲. چالش‌های حقوق بشری و امنیتی در نظام امنیت‌مدار

با این حال، مهم‌ترین چالش نظام امنیت‌مدار، ایجاد تعادل میان امنیت و حقوق فردی است؛ زیرا محدودسازی افراطی آزادی‌ها می‌تواند به بی‌اعتمادی عمومی منجر شود و امنیت واقعی جامعه را تضعیف کند. (رحمت، ۱۴۰۰، ۳۲) از این رو، موفقیت این نظام به میزان هوشمندی سیاست‌گذاران در اجرای متوازن سیاست‌های امنیتی و رعایت حقوق شهروندی وابسته است. (غلامی، ۱۳۹۷، ۷۵)

افزایش اختیارات اجرایی مقامات امنیتی از شاخص‌های مهم این نظام محسوب می‌شود و با هدف واکنش سریع به تهدیدات و پیشگیری از جرایم بالقوه اعمال می‌گردد. (رحمت، ۱۴۰۰، ۲۸) این اختیارات علاوه بر کارکرد عملیاتی، نقش بازدارنده روانی و اجتماعی نیز دارند.

تمرکز صرف بر افزایش اختیارات اجرایی بدون سازوکارهای نظارتی شفاف می‌تواند به سوءاستفاده از قدرت، محدودسازی بی‌رویه آزادی‌های فردی و کاهش اعتماد عمومی منجر شود (غلامی، ۱۳۹۷، ۷۳) تجربه‌ها نشان می‌دهد که نبود نظارت مؤثر، واکنش‌های منفی اجتماعی و نارضایتی عمومی را به دنبال دارد. از این رو، موفقیت نظام امنیت‌مدار مستلزم برقراری تعادل میان قدرت و مسئولیت است.

درحقیقت، افزایش اختیارات اجرایی زمانی کارآمد است که با هماهنگی میان نهادهای امنیتی و قضایی همراه باشد؛ زیرا عدم هماهنگی موجب تأخیر در واکنش، تضاد تصمیم‌ها و اتلاف منابع می‌شود همچنین بهره‌گیری از فناوری‌های نوین نظیر

سامانه‌های هوشمند تحلیل داده و سیستم‌های هشدار سریع، امکان نظارت دقیق‌تر و واکنش به‌موقع را فراهم می‌کند، مشروط بر آنکه با قوانین شفاف و رعایت حریم خصوصی همراه باشد.

محدودسازی حقوق فردی از شاخص‌های نظام حقوقی امنیت‌مدار است و با هدف حفظ امنیت عمومی اعمال می‌شود. (رحمت، ۱۴۰۰، ۳۲) این محدودیت‌ها، از جمله در حوزه آزادی بیان، تجمع و دسترسی به اطلاعات، زمانی مشروع و مؤثرند که موقت، متناسب و تحت نظارت قضایی اجرا شوند. بی‌توجهی به این ملاحظات می‌تواند به بی‌اعتمادی عمومی و تضعیف مشروعیت نظام حقوقی بینجامد. (غلامی، ۱۳۹۷، ۷۳)

باید دقت نمود که توسعه قوانین کیفری سخت‌گیرانه نیز از شاخص‌های اصلی نظام امنیت‌مدار است و با هدف بازدارندگی و مقابله با جرایم سازمان‌یافته، امنیتی، اقتصادی و سایبری اعمال می‌شود. (رحمت، ۱۴۰۰، ۲۸) کارآمدی این قوانین وابسته به تناسب مجازات‌ها، به‌روزرسانی مقررات و اجرای سریع و مؤثر آن‌هاست (غلامی، ۱۳۹۷، ۷۵).

براین اساس، در نظام‌های حقوقی امنیت‌مدار، تقویت نظارت و کنترل اجتماعی را می‌توان در چارچوب پیشگیری اجتماعی از جرم تحلیل کرد؛ زیرا بزهکاری پدیده‌ای چندبعدی است و صرف اتکا به ابزارهای کیفری، کارآمدی لازم را ندارد. از این رو، تمرکز بر سازوکارهای اجتماعی پیشگیری، از جمله مشارکت شهروندان، تقویت همبستگی اجتماعی و افزایش مسئولیت‌پذیری جمعی، می‌تواند نقش مؤثری در کاهش جرایم و ارتقای امنیت اجتماعی ایفا کند. پژوهش‌های میدانی نشان می‌دهد که پیشگیری

تشدید کرده و ضرورت بهره‌گیری از ابزارهای اطلاعاتی و امنیتی نوین را افزایش داده است.

نباید فراموش نمود که توسعه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی یکی دیگر از محرک‌های اصلی پیدایش این نظام است. (پورجعفر و همکاران، ۱۳۸۹، ۶۷) بدین معنی که پیشرفت اینترنت، گسترش شبکه‌های اجتماعی و پایگاه‌های داده بزرگ زمینه‌ساز جرایم نوین سایبری و حملات دیجیتال شده است (کمالی و همکاران، ۱۴۰۰، ۴۸)، اما در عین حال امکان تحلیل داده‌ها می‌تواند پیش‌بینی جرایم و واکنش سریع را برای مقامات امنیتی فراهم می‌کند. (جیسون و ویلسون، ۱۳۸۷، ۷۳) از سوی دیگر، تغییرات بنیادین در نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی نیز در شکل‌گیری نظام امنیت‌مدار نقش داشته‌اند. (علوی، ۱۴۰۱، ۵۳) افزایش شهرنشینی، تنوع فرهنگی و آگاهی عمومی موجب افزایش انتظارات شهروندان از امنیت، عدالت و پاسخگویی نهادها شده است. (کاظمی‌پور، ۱۴۰۱، ۷۷) همزمان، حساسیت نسبت به حقوق فردی و آزادی‌های مدنی افزایش یافته و نظام امنیت‌مدار را با چالش ایجاد تعادل میان امنیت و آزادی مواجه ساخته است. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۷، ۶۰)

یکی از مهم‌ترین چالش‌های نظام حقوقی امنیت‌مدار، محدودیت در حقوق بشر و آزادی‌های فردی است. محدودسازی آزادی بیان، تجمع، حریم خصوصی و دسترسی به اطلاعات اگر بدون چارچوب قانونی شفاف و نظارت مؤثر اعمال شود، می‌تواند به کاهش اعتماد عمومی و احساس بی‌عدالتی منجر گردد (کاظمی‌پور، ۱۴۰۱، ۹۰) به عبارت ساده، در نظام حقوقی امنیت‌مدار، محدودیت حقوق بشر معمولاً با مجوز قانونی و نظارت قضایی اعمال می‌شود و هدف

اجتماعی از جرم، به‌ویژه در محله‌های دارای آسیب‌پذیری اجتماعی، از طریق تقویت کنترل اجتماعی غیررسمی و مشارکت ساکنان، تأثیر معناداری بر کاهش بزهکاری دارد. (ورتلی و مازرول، ۲۰۱۱، ۷۸۹) بدین ترتیب می‌توان گفت که نظام حقوقی امنیت‌مدار در تلاش برای تأمین امنیت جمعی، مجموعه‌ای از اختیارات اجرایی، محدودسازی‌های موقت و قوانین کیفری سخت‌گیرانه را به کار می‌گیرد؛ با این حال، کارآمدی واقعی این نظام تنها در چارچوب تعادل دقیق میان قدرت و مسئولیت، نظارت شفاف، هماهنگی میان نهادها و رعایت حقوق فردی محقق می‌شود. تجربه‌ها و پژوهش‌ها نشان می‌دهند که تمرکز صرف بر ابزارهای کیفری یا اختیارات اجرایی بدون سازوکارهای اجتماعی و مشارکت شهروندان، نه تنها موجب کاهش اعتماد عمومی و مشروعیت نظام می‌شود، بلکه امنیت واقعی را نیز تضعیف می‌کند. از این رو، تلفیق پیشگیری اجتماعی از جرم با کنترل قانونی و استفاده هوشمندانه از فناوری‌های نوین، شرط لازم برای تحقق امنیت پایدار و مشروع در نظام‌های امنیت‌مدار است.

۵-۳. زمینه‌ها و چالش‌های شکل‌گیری نظام -

های امنیت‌مدار و کرامت‌مدار

افزایش تهدیدات امنیتی داخلی و بین‌المللی، یکی از مهم‌ترین زمینه‌های پیدایش نظام حقوقی امنیت‌مدار است؛ زیرا جرایم سازمان‌یافته، تروریسم، جرایم سایبری و فعالیت‌های خرابکارانه فراملی، توان نهادهای سنتی حقوقی را با چالش مواجه کرده‌اند. (حسینی دیوشلی و کریمی آذری، ۱۳۹۶، ۴۱) البته سرعت بالای تحولات فناوری نیز این تهدیدات را

نظام امنیت‌مدار مستلزم تدوین قوانین محدودکننده اختیارات، آموزش مقامات در چارچوب حقوق بشر و شفافیت تصمیمات است. (کلواند و ساویل، ۲۰۰۳، ۹۰)

در نهایت، یکی از پیامدهای منفی احتمالی نظام امنیت‌مدار، کاهش اعتماد عمومی به نهادهای حقوقی و امنیتی است. اجرای قوانین سخت‌گیرانه و افزایش اختیارات اجرایی بدون شفافیت و توجیه اجتماعی می‌تواند حس بی‌اعتمادی و ناامنی را تقویت کند. (اشنایدر و کیچن، ۱۳۸۷، ۷۲) تجربه نشان می‌دهد که اعتماد عمومی زیربنای مشروعیت نظام امنیتی است و تضعیف آن، کارایی سیاست‌های پیشگیرانه و بازدارنده را به شدت کاهش می‌دهد. (کلواند و ساویل، ۲۰۰۳، ۶۵۶)

محدودیت‌های حقوق بشر و آزادی‌های فردی در نظام امنیت‌مدار می‌تواند به کاهش اعتماد عمومی منجر شود، به‌ویژه زمانی که این محدودیت‌ها طولانی‌مدت، غیرشفاف یا بی‌رویه باشند و احساس تبعیض و بی‌عدالتی را در جامعه تقویت کنند. (کاظمی‌پور، ۱۴۰۱، ۱۰۶) همچنین عدم شفافیت در عملکرد نهادهای امنیتی و قضایی، موجب تضعیف اعتماد عمومی و کاهش همکاری اجتماعی می‌شود و حتی اقدامات امنیتی مؤثر را با چالش مواجه می‌سازد. از این رو، حفظ مشروعیت و کارایی نظام امنیت‌مدار مستلزم شفافیت تصمیمات، رعایت حقوق شهروندان، نظارت مستقل و تعامل مستمر با جامعه است. (اشنایدر و کیچن، ۱۳۸۷، ۷۵؛ غلامی، ۱۳۹۷، ۷۵)

باید دقت نمود که نظام حقوقی امنیت‌مدار در پاسخ به افزایش تهدیدات پیچیده و فراملی، از جمله جرایم

آن پیشگیری از جرایم سازمان‌یافته و تهدیدات تروریستی است. با این حال، کارایی این محدودیت‌ها به شفافیت، تناسب و موقتی بودن آن‌ها وابسته است و اعمال محدودیت‌های طولانی‌مدت یا بی‌رویه می‌تواند مشروعیت نظام را تضعیف کند. بدین ترتیب، مهم‌ترین چالش در این زمینه، ایجاد توازن میان امنیت و حقوق فردی است؛ زیرا تمرکز افراطی بر امنیت می‌تواند به نارضایتی عمومی و کاهش اعتماد اجتماعی منجر شود. (احمدی و شمعی، ۱۳۹۹، ۳۹)

باید دقت نماییم که توسعه فناوری‌های نظارتی این چالش را پیچیده‌تر کرده است. استفاده از دوربین‌های مداربسته، پایگاه‌های داده و تحلیل داده‌های بزرگ، در صورت فقدان چارچوب قانونی شفاف و رعایت حریم خصوصی، می‌تواند به نقض حقوق شهروندان بینجامد. (پورجعفر و همکاران، ۱۳۸۹، ۶۸) از این رو، ترکیب فناوری با قوانین شفاف و نظارت مؤثر برای حفظ تعادل میان امنیت و حقوق بشر ضروری است. (کاظمی‌پور، ۱۴۰۱، ۹۴)

یکی دیگر از چالش‌های اساسی نظام امنیت‌مدار، افزایش احتمال سوءاستفاده از اختیارات گسترده مقامات اجرایی و امنیتی است. این سوءاستفاده می‌تواند به محدودسازی ناعادلانه حقوق شهروندان، فشار بر گروه‌های خاص و مدیریت ناصحیح پرونده‌های قضایی منجر شود. (ابراهیمی، ۱۴۰۱، ۱۰۲) پیچیدگی نظارت بر این اختیارات، ضرورت ایجاد نهادهای نظارتی مستقل و شفاف را دوچندان می‌کند. (کاظمی‌پور، ۱۴۰۱، ۱۰۱)

افزون بر این، فشارهای سیاسی و اقتصادی می‌تواند زمینه بهره‌برداری ناصحیح از اختیارات را تشدید کند. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۷، ۶۷) از این رو، موفقیت

حقوق فردی، پایه‌ای برای مشروعیت اجتماعی و اعتماد عمومی فراهم می‌آورد.

نظام کرامت‌مدار با تأکید بر مشارکت شهروندان و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، همکاری میان جامعه و نهادهای حقوقی را تقویت می‌کند (کاظمی‌پور، ۱۴۰۱، ۵۸) و بر پیشگیری به جای مجازات صرف تکیه دارد تا از نقض حقوق انسانی جلوگیری شود. در این چارچوب، حمایت جامع از حقوق بنیادین مانند آزادی بیان، تجمع، حریم خصوصی و مشارکت عمومی، با قوانین شفاف و قابل نظارت تضمین می‌شود و هرگونه محدودیت باید قانونی، ضروری و متناسب باشد. (کاظمی‌پور، ۱۴۰۱، ۵۸؛ نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۷، ۶۷)

در نهایت، نظام حقوقی کرامت‌مدار با ایجاد تعادل میان حقوق فردی و منافع جمعی، امکان تأمین امنیت و نظم عمومی را بدون نادیده گرفتن کرامت انسانی فراهم می‌سازد و مبنای مشروعیت، عدالت و اعتماد اجتماعی را شکل می‌دهد. (پورجعفر و همکاران، ۱۳۸۹، ۷۰؛ کاظمی‌پور، ۱۴۰۱، ۶۱) به‌گونه‌ای که از سوءاستفاده از اختیارات جلوگیری کرده و اعتماد عمومی را تقویت کنند. (حسینی دیوشلی و کریمی آذری، ۱۳۹۶، ۶۷؛ نجفی ابرندآبادی و همکاران، ۱۴۰۱، ۶۹) این محدودیت‌ها باید موقتی، قابل بازنگری و همراه با معیارهای روشن باشند تا از تضعیف آزادی‌های فردی و کاهش مشروعیت نظام جلوگیری شود. (پورجعفر و همکاران، ۱۳۸۹، ۷۳)

شفافیت و اطلاع‌رسانی عمومی درباره دلایل و ضرورت محدودیت‌ها، همراه با پیش‌بینی سازوکارهای قانونی اعتراض و نظارت، از ارکان اساسی این نظام به شمار می‌رود و موجب افزایش

سازمان‌یافته، تروریسم و جرایم سایبری، شکل گرفته و با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی، اختیارات اجرایی گسترده و قوانین کیفری سخت‌گیرانه سعی در تضمین امنیت جمعی دارد. با این حال، تجربه‌ها و پژوهش‌ها نشان می‌دهند که تمرکز صرف بر ابزارهای امنیتی و افزایش قدرت نهادها بدون شفافیت، نظارت مستقل و رعایت حقوق شهروندی، می‌تواند به سوءاستفاده از قدرت، محدودسازی بی‌رویه آزادی‌ها و کاهش اعتماد عمومی منجر شود؛ عاملی که مشروعیت و کارآمدی کل نظام را تهدید می‌کند. بنابراین، موفقیت نظام امنیت‌مدار نه تنها در توانایی مقابله با تهدیدات نوین بلکه در ایجاد تعادلی دقیق میان امنیت و حقوق فردی، آموزش مقامات در چارچوب حقوق بشر، نظارت قضایی و اجتماعی، و مشارکت فعال جامعه برای تقویت کنترل اجتماعی و همبستگی جمعی است. به عبارت دیگر، امنیت پایدار و مشروع تنها زمانی حاصل می‌شود که ابزارهای پیشگیرانه، فناوری و قوانین کیفری با شفافیت، پاسخگویی و احترام به آزادی‌ها تلفیق شوند و اعتماد عمومی به‌عنوان پایه اصلی مشروعیت نظام حفظ گردد.

۵-۴. اصول و مبانی نظام حقوقی کرامت‌مدار

نظام حقوقی کرامت‌مدار بر حفظ کرامت انسانی، رعایت حقوق بنیادین و احترام به آزادی‌های فردی به‌عنوان محور سیاست‌گذاری حقوقی و قضایی تأکید دارد. (پاکزاد، ۱۳۸۸، ۴۳) در این نظام، هر اقدام قانونی یا امنیتی باید بر اساس میزان تأثیر آن بر کرامت انسان سنجیده شود و حقوق شهروندان به‌عنوان حقوق ذاتی و غیرقابل تعویض مبنای طراحی مقررات قرار گیرد. تمرکز بر کرامت انسانی، علاوه بر تضمین

نظارتی مؤثری برای تضمین حقوق بنیادین ایجاد نموده است. (کمالی و همکاران، ۱۴۰۰، ۵۰؛ کلکوهن، ۱۳۸۷، ۴۴) به بیان ساده، این استانداردها با ایجاد چارچوب‌های قانونی و اخلاقی مشترک، امکان انطباق نظام‌های داخلی با معیارهای جهانی، افزایش مشروعیت داخلی و بین‌المللی و بهره‌گیری از تجارب جهانی در حفاظت از حقوق بنیادین و آزادی‌های فردی را فراهم می‌کنند.

البته، با وجود این مزایا، نظام حقوقی کرامت‌مدار هم با چالش‌هایی اساسی مواجه است. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، تعارض میان حفظ کرامت انسانی و ضرورت پاسخگویی فوری به تهدیدات امنیتی است؛ به‌ویژه در شرایط اضطراری که اعمال محدودیت‌های کوتاه‌مدت ممکن است اجتناب‌ناپذیر باشد. اگر این اقدامات بدون چارچوب قانونی مناسب و رعایت کرامت انسانی اجرا شوند، می‌توانند به نارضایتی عمومی، کاهش اعتماد اجتماعی و تضعیف مشروعیت نظام منجر شوند. (کلکوهن، ۱۳۸۷، ۶۸؛ کمالی و همکاران، ۱۴۰۰، ۵۵)

چالش دیگر، پیچیدگی در نظارت و ارزیابی عملکرد نهادهای اجرایی و قضایی است. گستردگی اختیارات، تداخل و ظایف نهادی و نبود سازوکارهای شفاف و ابزارهای استاندارد برای ارزیابی، احتمال سوءاستفاده از اختیارات و کاهش پاسخگویی را افزایش می‌دهد. (کمالی و همکاران، ۱۴۰۰، ۶۰؛ کلکوهن، ۱۳۸۷، ۶۶؛ جیسون و ویلسون، ۱۳۸۷، ۹۰)

محدودیت منابع انسانی، مالی، آموزشی و فناورانه نیز از موانع جدی اجرای مؤثر نظام کرامت‌مدار به شمار می‌رود. کمبود منابع و آموزش تخصصی می‌تواند کیفیت تصمیم‌گیری، نظارت و اجرای قوانین را

همکاری اجتماعی و کاهش سوءتفاهم‌ها می‌شود. (کاظمی‌پور، ۱۴۰۱، ۶۳) در همین راستا، شفافیت و پاسخگویی نهادهای اجرایی و قضایی با ایجاد سازوکارهای نظارتی مستقل و الزام مقامات به مستندسازی تصمیمات، مانع اعمال سلیقه‌ای و رفتارهای خودسرانه می‌شود و پایه مشروعیت و اعتماد عمومی را تقویت می‌کند. (کاظمی‌پور، ۱۴۰۱، ۶۵؛ نجفی ابرندآبادی و همکاران، ۱۴۰۱، ۷۰)

یکی از اصول بنیادین نظام کرامت‌مدار، برقراری توازن منطقی میان امنیت عمومی و کرامت انسانی است؛ به‌گونه‌ای که امنیت و آزادی‌های فردی اهداف مکمل تلقی شوند و محدودیت‌ها صرفاً در چارچوب قانونی روشن، با هدف مشروع و محدودیت زمانی مشخص اعمال گردند. (پورجعفر و همکاران، ۱۳۸۹، ۷۱؛ کاظمی‌پور، ۱۴۰۱، ۶۳)

پیدایش نظام حقوقی کرامت‌مدار نتیجه تجربه پیامدهای منفی نظام‌های صرفاً امنیت‌مدار، از جمله محدودیت‌های گسترده، کاهش مشارکت اجتماعی و تضعیف مشروعیت قانونی است. (علوی، ۱۴۰۱، ۵۸؛ جیسون و ویلسون، ۱۳۸۷، ۷۶) همچنین تحولات اجتماعی و فرهنگی، افزایش آگاهی عمومی نسبت به حقوق انسانی و رشد جامعه مدنی، زمینه مطالبه‌گری شهروندان و شکل‌گیری رویکردهای حقوق‌بنیاد و انسان‌محور را فراهم کرده است. (جیسون و ویلسون، ۱۳۸۷، ۷۶)

از این منظر، توسعه حقوق بین‌الملل و پذیرش استانداردهای جهانی حقوق بشر، از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر و پیمان حقوق مدنی و سیاسی، نقش مهمی در نهادینه‌سازی کرامت انسانی در نظام‌های حقوقی داخلی ایفا کرده و الزامات قانونی و

حالی که نظام کرامت‌مدار کرامت انسانی و حقوق بنیادین را در کنار امنیت مبنای قانونگذاری می‌داند.

۵-۵. نقش طراحی شهری و پیشگیری وضعی از جرم

امنیت محیط شهری الزاماً از طریق طراحی شهری تحقق نمی‌یابد، اما می‌توان ادعا نمود که طراحی شهری یکی از پیش‌شرط‌های ارتقای امنیت به شمار می‌رود. طراحی صحیح می‌تواند از طریق اصول پیشگیری از جرم از راه طراحی محیطی شامل نظارت طبیعی، کنترل دسترسی، تقویت قلمرو و نگهداری محیط، احساس امنیت ذهنی و امنیت عینی را افزایش دهد. با این حال، امنیت شهری مفهومی چندبعدی است و تحقق آن مستلزم ترکیب طراحی شهری با مدیریت و نظارت مؤثر، عدالت اجتماعی، آموزش شهروندان و سیاست‌گذاری هماهنگ است. بنابراین طراحی شهری شرط لازم برای امنیت شهری است، اما شرط کافی نیست که در ادامه بدان خواهیم پرداخت.

طراحی محیط شهری زمانی در پیشگیری از جرم مؤثر است که مبتنی بر شاخص‌های کرامت‌مداری و احترام به ارزش‌های انسانی باشد. این رویکرد با نظریه پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی و دیدگاه «چشم‌های ناظر بر خیابان» جین جیکوبز هم‌راستا بوده و از طریق ارتقای عدالت فضایی، سرمایه اجتماعی و احساس تعلق، به شکل‌گیری امنیت پایدار کمک می‌کند. (جفری، ۱۹۷۱، ۶۵۷) در حقیقت، طرفداران پیشگیری وضعی معتقدند استفاده از فناوری‌های نظارتی می‌تواند به کاهش جرم منجر شود و شهروندان در ازای امنیت بیشتر،

تضعیف کرده و خطر اعمال محدودیت‌های نامتناسب را افزایش دهد. (کمالی و همکاران، ۱۴۰۰، ۶۲؛ کلکوهن، ۱۳۸۷، ۶۷؛ جیسون و ویلسون، ۱۳۸۷، ۷۳)

در مقایسه، نظام‌های امنیت‌مدار و کرامت‌مدار باید به این نکته دقت نمود که هر کدام از این نظام‌ها در پی حفظ نظم و امنیت‌اند، اما در اولویت‌ها و رویکردها تفاوت بنیادین دارند. نظام امنیت‌مدار بر امنیت عمومی و پیشگیری از تهدیدات با اختیارات گسترده و قوانین سخت‌گیرانه تمرکز دارد که گاه به محدود شدن آزادی‌های فردی می‌انجامد. در مقابل، نظام کرامت‌مدار رعایت حقوق بنیادین و کرامت انسانی را محور تصمیم‌گیری قرار داده و بر شفافیت، پاسخگویی، نظارت مستقل، مشارکت شهروندان و توازن میان امنیت و آزادی‌های فردی تأکید دارد. (جیسون و ویلسون، ۱۳۸۷، ۹)

نظام امنیت‌مدار ماهیتی واکنشی و مبتنی بر کنترل دارد و در شرایط بحران، معمولاً سیاست‌ها و اقدامات محدودکننده را بدون توجه کافی به پیامدهای بلندمدت اجرا می‌کند. در مقابل، نظام کرامت‌مدار علاوه بر پیشگیری از تهدیدات، بر آموزش، فرهنگ‌سازی و توانمندسازی جامعه و نهادها برای رعایت حقوق انسانی تأکید دارد و امنیت را از مسیر همکاری شهروندان و احترام به کرامت انسانی دنبال می‌کند. در این چارچوب، تعارض میان امنیت و آزادی‌های فردی از طریق سازوکارهای قانونی، نظارت و ارزیابی مستمر مدیریت می‌شود تا هم امنیت و هم کرامت انسانی حفظ شود. (کمالی و همکاران، ۱۴۰۰، ۶۰) از این رو، تفاوت بنیادین این دو نظام در فلسفه حاکم بر سیاست‌گذاری است؛ نظام امنیت‌مدار امنیت و نظم را محور قرار می‌دهد، در

محدود شدن برخی آزادی‌ها را می‌پذیرند؛ مانند کنترل‌های امنیتی فرودگاه‌ها که به کاهش هواپیمارمایی انجامیده است. (کراو، ۲۰۰۰، ۱۰۹) با این حال، برخی پژوهشگران هشدار می‌دهند که استفاده افراطی از تدابیر پیشگیری وضعی می‌تواند به بیگانگی اجتماعی و تضعیف پیوندهای اجتماعی منجر شود. (کولکوهن، ۲۰۰۴، ۶۷۰)

همچنین افزایش اقدامات امنیتی آشکار ممکن است ترس از بزه‌دیدگی را تشدید کرده و حضور شهروندان در فضاهای عمومی را کاهش دهد؛ امری که نظارت اجتماعی طبیعی و مشارکت همسایگان در پیشگیری از جرم را تضعیف می‌کند و با اهداف «طراحی فضای قابل دفاع» در تعارض قرار می‌گیرد. به بیان دیگر، یکی از نگرانی‌های اصلی درباره پیشگیری وضعی از جرم، جهت‌گیری یک‌سویه آن در کاهش آمار جرم است؛ به گونه‌ای که اگر این کاهش به قیمت افزایش ترس، وحشت‌زدگی و محدود شدن سبک زندگی شهروندان تمام شود، نمی‌تواند به آسایش واقعی جامعه منجر گردد. (جفری، ۱۹۷۱، ۶۵۷) به همین دلیل، این رویکرد می‌تواند به ترویج گوشه‌گیری اجتماعی و شکل‌گیری جامعه‌ای بسته بینجامد؛ همان نقدی که به تغییرات فیزیکی و محیطی ساختمان‌ها و فضاهای شهری و تأثیر آن بر شیوه زندگی وارد شده است.

گذشته از نکات مطرح شده، نظام حقوقی امنیت‌مدار در ایران، با پنج مؤلفه ساختاری، اجرای اصول «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی» را از رویکرد مشارکتی و مردمی به سمت کنترل اجتماعی فراگیر و «قلعه‌ای شدن شهر» سوق داده است. در ادامه این مؤلفه‌ها را بیان می‌کنیم.

مؤلفه نخست عبارت است از تقدم مطلق امنیت بر سایر حقوق، بدون رعایت اصل تناسب (اصل ۲۲ قانون اساسی) - که موجب گسترش مداخلات کالبدی از فضاهای عمومی به کل ساختار شهری شده و هرگونه اعتراض به نظارت یا حصارکشی را با عنوان «تهدید امنیت ملی» سرکوب می‌کند. شواهد تجربی در ۱۸ کلان‌شهر ایران نشان می‌دهد. (ضمیری و شریفی نوغابی، ۱۴۰۰، ۳۴) محلات مرفه دارای حصارکشی کامل و دوربین‌های گسترده‌اند، در حالی که محلات حاشیه‌نشین دسترسی کمتری به این امکانات دارند. این وضعیت منجر به تبعیض فضایی در تخصیص منابع امنیتی و نقض اصل ۱۹ قانون اساسی شده و حق بر شهر را از اقشار فرودست سلب می‌کند.

اما مؤلفه دوم حاکی از تمرکززدایی قضایی و اعطای اختیارات گسترده به نهادهای اجرایی بدون نظارت قضایی (نقض اصل ۱۵۶ قانون اساسی) است که موجب نصب دوربین‌ها و ایجاد موانع فیزیکی بدون مجوز قضایی شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد این اقدامات اگرچه ترس از جرم را کاهش داده، اما ترس از نظارت دولتی را افزایش داده و مشروعیت نهادهای محلی را تضعیف کرده است.

مؤلفه سوم به محرمانگی مطلق داده‌های نظارتی و فقدان اصل شفافیت که اصل ۲۴ قانون اساسی (آزادی اطلاع‌رسانی) را نقض می‌کند، اشاره دارد. احساس «نظارت دائمی و نامشروع» موجب کاهش سرمایه اجتماعی محلات شده است، در حالی که تجربه کشورهایمانند هلند نشان می‌دهد گزارش دهی شفاف داده‌های نظارتی به حفظ اعتماد عمومی کمک می‌کند.

تلفیق شوند و از ایجاد جامعه‌ای بسته، ترس‌زده و دوگانه امنیتی جلوگیری شود؛ در غیر این صورت، تلاش برای امنیت شهری ممکن است خود به منبع تضعیف اعتماد عمومی و انسجام اجتماعی تبدیل گردد.

۵-۶. بررسی موردی تاثیر نظام امنیت‌مدار بر طراحی شهری در ایران و راهکارهای تعدیلی

اصول پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی شامل نظارت طبیعی، کنترل دسترسی و نگهداری محیطی می‌توانند بدون نقض حقوق اساسی شهروندان، کارآمدی سیاست‌های پیشگیرانه را افزایش دهند. در این میان، نظارت طبیعی که با هدف افزایش دیده‌شدن فضاها و حضور فعال شهروندان شکل می‌گیرد، هم‌راستا با اصل ۲۲ قانون اساسی (حق امنیت) است و در عین حال، بدون ایجاد محدودیت در اصل ۱۹ (آزادی جابه‌جایی) تحقق می‌یابد. شواهد تجربی نشان می‌دهد محلاتی که از نظارت طبیعی مؤثر برخوردارند، با میزان کمتری از جرایم فرصت‌محور مواجه هستند. (ضمیری و شریفی نوغابی، ۱۴۰۰، ۳۴)

افزون بر این، الگوی نظارت مشارکتی مبتنی بر حضور و آگاهی شهروندان، در مقایسه با نظارت فناوریانه متمرکز مانند دوربین‌های دولتی (CCTV)، سازگاری بیشتری با اصل ۲۵ قانون اساسی (حفظ حریم خصوصی) دارد. از این منظر، نگهداری محیطی مستمر شامل رفع خرابی‌ها، نظافت و انجام تعمیرات به‌موقع، با پیشگیری از آثار منفی مورد تأکید در نظریه «پنجره‌های شکسته»، نه تنها احساس امنیت را ارتقا می‌دهد، بلکه به تقویت عدالت اجتماعی در فضاهای شهری نیز می‌انجامد. (کلواند و ساویل،

مؤلفه بعدی به توزیع بودجه و منابع امنیتی که به تبعیض فضایی و افزایش خشونت در محلات محروم منجر شده است (کلواند و ساویل، ۲۰۰۳، ۵۹۰) اشاره می‌کند. درواقع، این وضعیت موجب تثبیت دوگانگی امنیتی و تضعیف انسجام اجتماعی می‌شود.

مؤلفه نهایی عبارت است از فقدان ارزیابی اثرات حقوقی و اجتماعی، پیش و پس از مداخله که باعث جابه‌جایی جرم از مرکز به حاشیه و بازگشت جرم به محلات مداخله‌شده در بازه‌ای حدود ۱۸ ماه شده است.

تحلیل نهایی نشان می‌دهد که امنیت شهری یک پدیده چندبعدی است که صرفاً از طریق طراحی محیطی حاصل نمی‌شود، اگرچه طراحی شهری به‌عنوان پیش‌شرط ارتقای امنیت اهمیت فراوانی دارد. اصول پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی، نظارت طبیعی، کنترل دسترسی و تقویت قلمرو، می‌توانند احساس امنیت ذهنی و عینی شهروندان را افزایش دهند؛ اما کارکرد موفق آن‌ها وابسته به رعایت حقوق شهروندان، عدالت فضایی، مشارکت اجتماعی و سیاست‌گذاری هماهنگ است. تجربه‌های ایران نشان می‌دهد که تمرکز نظام امنیت‌مدار بر امنیت مطلق و اعطای اختیارات گسترده به نهادهای اجرایی بدون نظارت قضایی و شفافیت، همراه با توزیع ناعادلانه منابع و فقدان ارزیابی اجتماعی-حقوقی، منجر به تبعیض فضایی، کاهش سرمایه اجتماعی و مشروعیت نهادها، و حتی بازگشت جرم به محلات مداخله‌شده می‌شود. به عبارت دیگر، پیشگیری وضعی و طراحی محیطی زمانی اثرگذار و پایدار خواهند بود که با رعایت کرامت انسانی، مشارکت شهروندان و شفافیت در سیاست‌ها

در سطح حقوقی و نهادی، پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی باید در قالب یک سیاست عمومی شفاف و پاسخگو اجرا شود؛ به‌گونه‌ای که شامل ارزیابی آثار اجتماعی و حقوقی مداخلات، محدودسازی نظارت به فضاهای پرخطر، و فراهم‌سازی امکان اعتراض و مشارکت شهروندان باشد. تنها در چنین چارچوبی است که پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی با اصول قانون‌مندی، تناسب، برابری و کرامت انسانی همسو می‌شود و می‌تواند به‌طور هم‌زمان امنیت و آزادی را تضمین کند.

پیامدهای اجرای پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی بدون چارچوب حقوقی را می‌توان در شش محور اصلی طبقه‌بندی کرد: نخست، جابه‌جایی جرم؛ انتقال جرایم از محلات نوسازی‌شده به مناطق حاشیه‌ای و کم‌برخوردار که ناقض اصول نوزده و چهل‌وهشت قانون اساسی در زمینه آزادی جابه‌جایی و عدالت منطقه‌ای است. دوم، پارادوکس امنیت؛ اتکای صرف به نظارت الکترونیکی ممکن است به کاهش ظاهری جرم منجر شود، اما هم‌زمان ترس از کنترل، کاهش اعتماد اجتماعی و احساس نظارت دائمی را افزایش دهد که با اصول بیست‌وچهار و بیست‌وپنج قانون اساسی (آزادی ارتباطات و حریم خصوصی) در تعارض است. (بهزادپور و ساروخانی، ۱۳۹۹) سوم، نابرابری فضایی: تخصیص نامتوازن منابع و مداخلات پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی، موجب تشدید خشونت ساختاری و جدایی اجتماعی میان محلات برخوردار و محروم می‌شود. (کلوالند و ساویل، ۲۰۰۳، ۴۵۰) چهارم، کاهش سرمایه اجتماعی: مداخلات مبتنی بر حصارکشی و انسداد

۲۰۰۳، ۶۵۰) برای جلوگیری از تقلیل پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی به کنترل صرف و پدیده «قلعه‌ای شدن شهر»، طراحی یک الگوی بومی تعدیلی ضروری است؛ الگویی که اصول پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی را به‌صورت هم‌زمان در سه سطح کالبدی، اجتماعی و حقوقی پیوند دهد. چنین الگویی بر جایگزینی تدریجی نظارت طبیعی به‌جای اتکای صرف بر نظارت الکترونیکی و نیز بر اصول شفافیت، پاسخگویی و توزیع عادلانه مداخلات در تمامی محلات شهری استوار است. در سطح کالبدی، مداخلاتی که صرفاً بر حصارکشی و انسداد فضا تکیه دارند، اغلب به برچسب‌زنی فضایی و تقویت احساس محبوس‌بودن شهروندان می‌انجامند. در مقابل، بهره‌گیری از ابزارهای نامحسوس و ادغامی همچون کف‌سازی هدایت‌کننده، پوشش گیاهی هوشمند، پنجره‌های فعال و نورپردازی استاندارد، ضمن تقویت پیشگیری وضعی، با حفظ کرامت انسانی و حقوق شهروندی نیز سازگار است. در سطح اجتماعی، موفقیت پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی بدون اتکا به سرمایه اجتماعی و مشارکت محلی امکان‌پذیر نیست؛ به‌گونه‌ای که محلات برخوردار از شوراهای محلی فعال و شبکه‌های همسایگی قوی، اثربخشی بیشتری از مداخلات کالبدی نشان می‌دهند و میزان گزارش‌دهی خودجوش جرم در آن‌ها افزایش می‌یابد. این وضعیت با اصول ۱۹ و ۲۲ قانون اساسی، یعنی آزادی جابه‌جایی و حق امنیت، سازگاری کامل دارد و نشان می‌دهد پیوند میان طراحی محیطی و کنش اجتماعی، شرط اساسی تحقق الگوی کرامت‌مدار پیشگیری از جرم است.

در مقابل، همین تکنیک‌ها هنگامی که در چارچوبی حقوق‌مدار و کرامت‌محور به کار گرفته شوند، می‌توانند به ابزارهایی مؤثر برای پیشگیری از جرم بدون نقض حقوق شهروندی تبدیل شوند. تلفیق اصول پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی شامل نظارت طبیعی، کنترل دسترسی نرم، قلمروپایی اجتماعی و نگهداری محیطی با اصول نوزده، بیست و بیست و دو قانون اساسی (برابری، قانون‌مندی و حق امنیت)، زمینه طراحی شهری شفاف و انسان‌محور را فراهم می‌آورد؛ از جمله از طریق نورپردازی استاندارد، معابر باز، پنجره‌های فعال، حذف نقاط کور و ایجاد فضاهای تقویت‌کننده تعاملات اجتماعی. در این چارچوب، پیشگیری وضعی از جرم از طریق طراحی محیط شهری صرفاً به اصلاح عناصر کالبدی محدود نمی‌شود، بلکه هم‌زمان به رفتار شهروندان، فرهنگ اجتماعی و سرمایه اجتماعی نیز توجه دارد. به‌طور مشخص، نسل نخست پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی عمدتاً بر اصلاحات کالبدی و مدیریت فرصت‌های ارتکاب جرم متمرکز بود و از این طریق، حس مالکیت فضایی و مسئولیت جمعی را در میان ساکنان تقویت می‌کرد. در مقابل، نسل دوم با عبور از رویکرد صرفاً فیزیکی، بر مؤلفه‌های انسانی، اجتماعی و فرهنگی محیط تأکید دارد و آموزش، فرهنگ‌سازی و مشارکت محلی را از عوامل کلیدی در کاهش جرم و تحقق امنیت پایدار می‌داند. بر این اساس، اجرای موفق پیشگیری وضعی مستلزم رعایت هم‌زمان بایسته‌های ماهوی از جمله کرامت انسانی، بومی‌سازی مداخلات و تأمین امنیت واقعی و بایسته‌های شکلی نظیر اصول طراحی هوشمند، مدیریت مستمر فضاها و تجهیزات شهری، و حذف نقاط تاریک و خلوت است. در این

فضاها، تعاملات همسایگی و شبکه‌های غیررسمی اعتماد را تضعیف کرده و سرمایه اجتماعی محلی را کاهش می‌دهد. پنجم، مشروعیت‌زدایی نهادها: نظارت و مداخله بدون پاسخگویی نهادی، اعتماد عمومی به نهادهای امنیتی و اجرایی را کاهش داده و با اصول پنجاه‌وهفت، پنجاه‌وسه و یکصد و هفتاد و سه قانون اساسی در تعارض قرار می‌گیرد. (بهزادپور و ساروخانی، ۱۳۹۹) ششم، بازگشت جرم: مداخلات پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی که بدون ارزیابی حقوقی-اجتماعی اجرا شوند، معمولاً پس از حدود هجده ماه اثربخشی خود را از دست می‌دهند و علاوه بر افزایش هزینه‌های عمومی، به جابه‌جایی و بازتولید الگوهای جرم منجر می‌شوند. (کلواند و ساویل، ۲۰۰۳، ۹۰)

باید توجه نمود که «طراحی محیط شهری» به معنای امنیت‌مداری سخت‌گیرانه یا قلعه‌ای شدن فضاهای شهری نیست، بلکه اثر آن بستگی به چارچوب حقوقی و هنجاری مداخلات کالبدی دارد. در صورتی که طراحی محیطی تنها به عنوان ابزار کنترل حداکثری فضا و تقدم مطلق امنیت بر سایر حقوق مورد استفاده قرار گیرد، تکنیک‌های پیشگیری وضعی (حصارکشی، دوربین‌های گسترده، موانع فیزیکی آشکار) به امنیت‌گرایی افراطی منتهی شده و پیامدهایی مانند جابه‌جایی جرم به حاشیه‌ها، نابرابری فضایی، کاهش سرمایه اجتماعی و مشروعیت‌زدایی از نهادهای شهری ایجاد می‌کنند. این حالت همان الگوی «شهر قلعه‌ای» است که در آن امنیت محدود به گروه‌های برخوردار است و سایر مناطق ناامن می‌شوند. (پارنابی، ۲۰۱۴، ۴۵)

میان، نقش دولت نه در اعمال کنترل افراطی، بلکه در برنامه‌ریزی، هدایت و نظارت مسئولانه همراه با تقویت مشارکت شهروندان و نهادهای محلی تعریف می‌شود؛ رویکردی که می‌تواند تعادل میان امنیت و آزادی را در فضای شهری برقرار سازد.

۵-۷. چشم‌انداز تلفیق امنیت با کرامت انسانی در طراحی شهری

در مقام تحلیل باید دقت نماییم که مؤلفه‌های پنج‌گانه نظام حقوقی امنیت‌مدار شامل تقدم مطلق امنیت، اعطای اختیارات اجرایی نامحدود بدون نظارت قضایی، محرمانگی داده‌ها، نابرابری در توزیع بودجه و فقدان ارزیابی اثرات، در عمل اجرای پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی را به سوی کنترل اجتماعی فراگیر و پدیده قلعه‌ای شدن شهر سوق می‌دهد. این رویکرد با تقلیل طراحی محیطی به ابزار کنترل، زمینه تضعیف آزادی‌های مدنی و تشدید شکاف‌های فضایی و اجتماعی را فراهم می‌کند. در مقابل، تعامل چهار اصل پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی با اصول نوزده، بیست و بیست‌ودو قانون اساسی، امکان تقویت پیشگیری از جرم را بدون تحدید آزادی‌های مدنی فراهم می‌سازد. این هم‌افزایی، طراحی محیطی را از رویکرد صرفاً امنیت‌محور جدا کرده و آن را در مسیر حقوق‌مدار و کرامت‌محور هدایت می‌کند. بر این اساس، الگوی بومی تعدیلی مبتنی بر مجموعه‌ای از بایستگی‌ها شکل می‌گیرد که شامل کرامت‌مداری، بومی‌سازی فرهنگی، اولویت نظارت طبیعی، مشارکتی‌بودن مداخلات، ارزیابی مستمر، بودجه‌ریزی توزیعی، پایش سه‌ساله و نظارت دیوان عدالت اداری است. این الگو هم‌زمان، راهکارهایی

برای تعدیل شش پیامد منفی شامل جابه‌جایی جرم، پارادوکس امنیت، نابرابری فضایی، کاهش سرمایه اجتماعی، مشروعیت‌زدایی نهادی و بازگشت سریع جرم ارائه می‌دهد. در مجموع، این چارچوب نشان می‌دهد که پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی نسل دوم با رویکرد اجتماعی-فرهنگی، در درون یک نظام حقوقی حقوق‌مدار، می‌تواند به‌عنوان الگویی عملیاتی، بومی و پایدار برای تحقق امنیت ملی به‌کار گرفته شود؛ الگویی که امنیت را نه در تقابل با آزادی، بلکه در پیوندی سازگار با کرامت انسانی و عدالت توزیعی محقق می‌سازد.

در انتهای همین بحث هم خالی از لطف نیست که اشاره کنیم معماری اسلامی، فراتر از یک سبک ساخت‌وساز، تجسم عینی جهان‌بینی، فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی جوامع مسلمان است. این معماری با بهره‌گیری از اصولی بنیادین همچون «محرمیت»، «سلسله‌مراتب»، «مرکزیت» و «انعطاف‌پذیری»، توانسته است طی قرن‌ها، الگویی از سکونت و حیات جمعی را فراهم آورد که در آن امنیت نه از رهگذر کنترل سخت‌افزاری و حصارکشی‌های آشکار، بلکه از طریق شکل‌دهی به رفتارهای اجتماعی و رعایت حقوق متقابل تأمین می‌شود. در واقع، معماری سنتی ایران-اسلامی قرن‌ها پیش از طرح نظریه «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی»، مفاهیم مشابهی را در قالبی بومی و متناسب با فرهنگ و باورهای ساکنان به کار بسته است. (معماریان و پیرنیا، ۱۳۹۲، ۲۵) برای نمونه، اصل «محرمیت» که در سازمان‌دهی فضاهای خصوصی و عمومی نقشی کلیدی دارد، با هدف «کنترل دسترسی» و «تعریف قلمرو» در نظریه

در مقابل، الگوی پیشنهادی این تحقیق، نظام حقوقی کرامت‌مدار را به‌عنوان راهکار بنیادین پیشگیری از جرم معرفی می‌کند؛ نظامی که در آن کرامت انسانی، مشارکت شهروندی، شفافیت و ایجاد توازن میان امنیت و آزادی‌های فردی در کانون سیاست‌گذاری قرار دارد. این الگوی تعدیلی سه‌سطحی (کالبدی، اجتماعی و حقوقی)، با تلفیق هوشمندانه اصول نسل دوم پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی با مبانی حقوق اساسی ایران، ظرفیت تحقق امنیتی همه‌جانبه، عادلانه و پایدار را فراهم می‌سازد. در این چارچوب، طراحی شهری نه به‌مثابه ابزار کنترل و انضباط، بلکه به‌عنوان بستری برای تقویت نظارت طبیعی، قلمروپایی اجتماعی و گسترش تعاملات مدنی بازتعریف می‌شود.

در نهایت، گذار از «شهر قلعه‌ای» به «شهر کرامت‌مدار» مستلزم تغییر پارادایم در سیاست‌گذاری امنیتی و بازنگری انتقادی در قوانین و سازوکارهای اجرایی حاکم است. امنیت پایدار تنها در پرتو احترام به کرامت انسانی، تضمین حقوق بنیادین و عادلانه‌سازی توزیع منابع و فرصت‌ها قابل تحقق خواهد بود. این پژوهش با ارائه الگویی بومی، عملیاتی و حقوق‌مدار، گامی در جهت تلفیق مؤثر امنیت با کرامت انسانی برداشته و امید دارد زمینه‌ساز گفت‌وگویی سازنده میان قانون‌گذاران، برنامه‌ریزان شهری و نهادهای مدنی برای تحقق شهری امن، عادلانه و مشارکتی باشد.

۷. سهم نویسندگان

نگارش متن توسط نویسندگان و نظارت علمی و اصلاحات نهایی توسط نویسندهٔ مسول صورت گرفت.

طراحی پیشگیری از جرم از طریق طراحی شهری هم‌خوانی کامل دارد. ورودی‌های غیرمستقیم، هشتی‌ها و دالان‌های میانی در خانه‌های سنتی، ضمن حفظ حریم خصوصی ساکنان، امکان نظارت طبیعی بر رفت‌وآمدها را نیز فراهم می‌کردند. (سلطان‌زاده، ۱۳۹۳، ۷۸) این تمهیدات که از دل فرهنگ و الزامات دینی برآمده بودند، بدون ایجاد حس زندانی بودن یا تبعیض فضایی، احساس امنیت و تعلق را در ساکنان تقویت می‌کردند. چنین رویکردی در تضاد کامل با پدیدهٔ «قلعه‌ای شدن شهر» در نظام امنیت‌مدار قرار دارد که با حصارهای بتنی و دیوارهای بلند، به جدایی‌گزینی اجتماعی دامن می‌زند.

۶. نتیجه

پژوهش حاضر با واکاوی تطبیقی دو نظام حقوقی امنیت‌مدار و کرامت‌مدار در عرصه امنیت شهری و پیشگیری از جرم نشان داد که رویکرد صرفاً امنیت‌محور، به‌واسطه تأکید یک‌سویه بر کنترل فیزیکی فضا و گسترش اختیارات اجرایی فاقد نظارت قضایی، نه‌تنها به تحقق امنیت پایدار و عادلانه منجر نمی‌شود، بلکه پیامدهای ناخواسته‌ای همچون قلعه‌ای شدن شهر، تبعیض فضایی، فرسایش سرمایه اجتماعی و مشروعیت‌زدایی از نهادهای رسمی را نیز به همراه دارد. یافته‌های میدانی حاصل از بررسی هجده کلان‌شهر ایران مؤید آن است که اجرای اصول پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی در چارچوب یک نظام امنیت‌مدار، این اصول را به ابزاری برای نظارت اجتماعی فراگیر تقلیل داده و در عمل، حقوق اساسی شهروندان را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

منابع

منابع فارسی

چاپ اول، تهران، انتشارات دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، ۱۳۸۷.

- حسینی دیوشلی، سیده فرگل؛ کریمی آذری، امیررضا، «استخراج راهبردهای محیطی مؤثر در پیشگیری از جرایم بر اساس نظریه (مطالعه موردی: مجتمع های مسکونی شهر رشت)»، فصلنامه مدیریت شهری و روستایی، دوره شانزدهم، شماره چهل و هشتم، ۱۳۹۶.

- رحمت، نادر، تعادل میان امنیت و حقوق فردی در نظام‌های حقوقی، تهران، پژوهشکده حقوق، ۱۴۰۰.

- سلطانزاده، حسین، فضاهای شهری در بافت‌های تاریخی ایران، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۹۳.

- ضمیری، مهسا و شریفی نوغابی، آزاده، «ارائه راهکارهایی در جهت افزایش امنیت در محله های مسکونی از طریق طراحی محیطی (نمونه موردی محله های حاشیه ای شهر بجنورد)»، فصلنامه انسان و محیط زیست، دوره نوزدهم، شماره سوم، ۱۴۰۰.

- عالی پور، حسن، توازن میان امنیت ملی و آزادی های فردی در مقابله با جرایم تروریستی (رساله دکتری)، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، ۱۳۸۷.

- علوی، سیدحسن، "پیشگیری وضعی در سیاست جنایی اسلام"، نشریه گفتمان حقوقی (جامعه المصطفی العالمیه)، شماره نوزدهم، ۱۴۰۱.

- غلامی، محمد، نظام‌های حقوقی و امنیت جمعی، تهران: نشر دانشگاهی، ۱۳۹۷.

- ابراهیمی، شهرام، جرم شناسی پیشگیری، جلد اول، چاپ پنجم، تهران، نشر میزان، ۱۴۰۱.

- احمدی، سیدمحمدصادق؛ شمعی، محمد، تقابل و توازن امنیت و آزادی در دولت قانونمدار، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۹.

- اشنایدر، ریچارد؛ کیچین، تد، برنامه ریزی شهری برای پیشگیری از جرم، ترجمه فرزانه سجودی، چاپ اول، تهران، انتشارات سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا، ۱۳۸۷.

- بهزادپور، محمد؛ ساروخانی، سمیه، «بررسی میزان پیشگیری از جرم با استفاده از طراحی محیط»، فصلنامه معماری‌شناسی، دوره سوم، شماره هفدهم، ۱۳۹۹.

- پاکزاد، جهان‌شاه، سیر اندیشه ها در شهر سازی (۳)، چاپ اول، تهران، انتشارات شهیدی، ۱۳۸۸.

- پورجعفر، محمدرضا؛ رضایی فر، فاطمه؛ تقوایی، علی اکبر، «فضاهای قابل دفاع به عنوان سرمایه‌ای در کاهش میزان جرم‌های شهری و ارتقای امنیت محیطی (با توجه به شهرهای سنتی ایران)»، فصلنامه دانشنامه علوم اجتماعی، دوره اول، شماره سوم، ۱۳۸۹.

- جیسون، سوزان؛ ویلسون، پل آرا، طراحی محیطی جرم ستیز، ترجمه محسن کلانتری و ابوذر سلامی،

architectural design and space management concepts (2nd ed.). Oxford: Butterworth-Heinemann, 2000.

- Jeffery, C. R. Crime prevention through environmental design. Beverly Hills, CA: Sage Publications, 1971.

- Parnaby, P. Design of risk : Crime Prevention Through Environmental Design, Social Control, And The Prospects of Professionalism, Ph.D. Thesis, Mc Master University, 2014.

- Saville, G., & Cleveland, G. Second-generation CPTED: An antidote to the social Y2K virus of urban design. International CPTED Association, 2008.

Wortley, R., & Mazerolle, L., Environmental criminology and crime analysis: situating the theory, analytic approach and application, (1st Ed.). Routledge, New York, Routledge Taylor and Francis Group, 2011.

- کاظمی پور، محمدرضا، «بررسی جامعه‌شناختی ترس از جرم در شهرهای ایران»، مجله علوم اجتماعی دانشگاه تهران، دوره نوزدهم، شماره دوم، ۱۴۰۱.

- کلکوهن، ایان، طراحی عاری از جرم، ایجاد مناطق امن و پایدار، ترجمه مهرداد رایجیان اصلی و حمید رضا عامری سیاهویی، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۷.

- کمالی، راحله؛ صحرانی‌نژاد، نسیم؛ رباطی، مریم، «طراحی محیط پارک‌های شهری با رویکرد با هدف ارتقای احساس امنیت در محله اسلام آباد (منطقه ۲ شهر تهران)»، فصلنامه پایداری، توسعه و محیط زیست، دوره دوم، شماره اول، ۱۴۰۰.

- معماریان، غلامحسین؛ پیرزبان، محمدکریم، سبک‌شناسی معماری ایرانی، کرمان، سروش دانش، ۱۳۹۲.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی»، نشریه تحقیقات حقوقی، شماره بیست‌وپنجم و بیست‌وششم، ۱۳۸۷.

منابع لاتین

- Cleveland, G., & Saville, G. Introduction to 2nd Generation CPTED-Part2. CPTED perspective: The International CPTED Association Newsletter , 2003.

- Colquhoun, I. Design out Crime: Creating Safe and Sustainable Communities. Oxford, England: Elsevier Architectural Press, 2004.

- Crowe, T. D. Crime prevention through environmental design: Applications of